

مروری بر لکچر اشرف غنی پیرامون "صلح" افغانستان!

۱. اخیراً جناب داکتر محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان لکچر میسوطی را برای استادان و محصلان پوهنتونهای کشور، با استفاده از شبکه "انترنت"، آنهم در محلی که استادان و محصلان پوهنتون کابل نیز حضور داشته اند، پیرامون "صلح" در افغانستان ارائه نموده است. قابل ذکر است که، علاوه از اینکه در این لکچر از



اصطلاحات اقتصادی و حقوق بطور سطحی کار گرفته شده است، در مورد سائر حوادث مربوط به آن موضوعات، خیلی غیر دقیق و نا مرتب، مفاهیم ارائه شده است. از تعریف "صلح" او که بیان داشته است، آغاز میکنم. او "صلح" را "دیسپلین" تعریف می کند. در حالی که اصلاً صلح یک حالت یا وضعیت است. به عبارت دیگر صلح یک حالت سکون و آرامش است که با نبود جنگ می تواند موجودیت خود را تبارز دهد. دسپلین کلمه لاتینی بمعنی درس، پرورش و مکتب است، دسپلین قاعده خاص ساختن شعور خودی است که در امر اطاعت مبارز می گردد. فیلسوف و تیئوریسن سیاسی، "هنا آرینت"، با نقل از "ایمانویل کانت" می گوید: "هیچ انسانی حق ندارد که اطاعت کند". وضعیت آرامش و زندگی در حالت صلح، هر گونه جبر

را در حیات فرد مجاز نمی داند، بناءً تعریف او به مفهوم صلح را دیسپلین می خواند، نا درست است. صرفنظر از بحث وسیع پیرامون محتویات ناقص این لکچر، قسمتی از افکار را که او در مورد صلح برای افغانستان مطرح نموده است، کاملاً گمراه کننده است. شابلون "صلح" را غنی بدست دارد، انسانها را معتقد می سازد، که آقای اشرف غنی یکی از مهره های تیئوریسن بوده است، که ماهیت "جنگ" و "صلح" را در افغانستان، نادرست درک نموده است. چنین نظرات کشور را به بیراهه می کشاند. نظرات نادرست "جنگ" و "صلح" در مورد افغانستان نقش اساسی تخریبی را داشته است. لینک لکچر ویدیو در فیسبوک.

بفرمائید مشخص و مستند بگویند، جنگ در افغانستان جنگ کی علیه کیست؟، جنگ را در افغانستان نخست توسط کیه، چگونه و چرا آغاز کردند؟، کیه سازمادهگان، تمویل کنندگان، و کیها قربانیان واقعی این جنگ در افغانستان هستند؟

من با دیپلوم های قطور دوکتورا جناب اشرف غنی و تخصص نسخه های "صلح" وی در جهان در نقد مختصر خویش هیچ کاری ندارم، تنها میخواهم پیرامون مسائل "جنگ" و "صلح" افغانستان روی نواقص نقاط عمده لکچر تمرکز را حفظ نمایم. لکچر او پیرامون "صلح" و ثبات در افغانستان اساساً جهات مشخص علمی را دنبال نمی کند. این لکچر داستان بدون ارتباط را به اصل ماهیت موضوع، پیرامون "جنگ" و "صلح" در افغانستان مطرح نموده است. اکثراً تعریفات اقتصادی و حقوقی ای که در لکچر ارائه شده است، نادرست و با شرایط صلح در افغانستان انطباق ندارد. ارائه نسخه های "صلح" به گادی بدون اسپ و گاهی هم به اسپ بدون گادی می ماند که برای مسابقه وارد



“
In an ever-changing, incomprehensible world, the masses had reached the point where they would, at the same time, believe everything and nothing, think that everything was possible and nothing was true.
Hannah Arendt, 1906 - 1975
DW NEWS Source: The Origins of Totalitarianism

(*) در جهانی که همواره درک ناشدنی در حال تغییر است، اجرام آن به حدی رسیده است که می بایست، در عین حال، اعتقاد به هر چیز و هیچ چیز، فکر می شود که هر چیز ممکن بوده است و هیچ چیز راست نبوده است. «هنا آرت» (۱۹۰۶-۱۹۷۵ م)

افغانستان و جهان از قول رهبران دولتها وجود دارد که، با صراحت اظهار داشته اند که جنگ در افغانستان جنگ بیگانگان است. بهر صورت، سایه تاریک جنگ نیابتی در تحت نفوذ قدرت های منطقوی و بین المللی بر بحران افغانستان، حکمرماست. در طول این زمان بحرانی، مجله شپیگل المان فدرال، با ورود قوای نظامی شوروی در افغانستان در بهار سال ۱۹۸۰ میلادی، از قول ضیاء نصری که برای استخبارات کار میکرد، به منظور خریداری سلاحهای روسی به شورشیان افغان به مصر رفته بود، اعلان نموده است، که ما انتقام شکست امریکا را در جنگ ویتنام از اتحاد شوروی در جنگ افغانستان میگیریم. در لکچر فرق بین عمال جنگی های بیگانه پاکستان و ایران در افغانستان با میلیونها مردم شریف افغانستان تمیز نمی کند. آقای غنی در لکچر "صلح" خود یک حرف هم از سازماندهنده گان، تمویل کننده گان و ادامه دهنده گان این جنگ خونین و ویرانی ها در افغانستان سخن نمی گوید.

* نظرات تحصیلکرده گان افغانتبار یونیورسیتی امریکایی در بیروت در مورد جنگ افغانستان:

عده از تیوریسن ها در غرب بخصوص تحصیلکرده گان افغانتبار در یونیورسیتی امریکایی بیروت بشمول محمد اشرف غنی و همصنفان او در مورد علل جنگ در افغانستان نظرات غیر علمی و غیر عملی دارند. آنها، اعمال زور با سلاح را قدرت تعریف می کنند، که نادرست است. این دسته افراد در طی چهار دهه جنگ و خونریزی در افغانستان تلاش نموده اند تا برای سرپوش گذاشتن علل اساسی جنگ و فریب مردم افغانستان مسئله "جنگ" و "صلح" کشور را بر اساس اهداف و خواسته های بیگانگان، کاذبانه مطرح می نمایند، و در عین زمان بر جنگ بیگانگان، مهر جنگ داخلی میزنند.

بنابر موقعیت جیوپولولتیک افغانستان، جنگ کنونی در سرزمین افغانستان، قریب پنج دهه قبل در نتیجه رقابتهای بین المللی دو سیستم متضاد جهانی، سرمایه داری و سوسیالیستی، که در رأس بالرتیب ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قرار داشته، به هدف انتقام شکست امریکا در ویتنام، آغاز گردیده است. ورود قوای نظامی

گذاشتند و ادامه جنگ در کشور را جنگ برادرکشی گفتند و آنرا ناروا اعلان کردند. مردم شریف افغانستان از جنگ نفرت دارند.

* درک نادرست کارشناسان امریکایی افغانستان در مورد فاجعه جنگ و جامعه افغانستان:



بطور نمونه با دو حادثه المناک فوق درست نگاه کنید، مردمان بیگناه را در خاشرود ولایت نیمروز و کابل کی کشتند؟

عدم آگاهی کامل رهبران کنونی افغانستان از

ساختار اجتماعی و خصوصیات جامعه افغانستان در لکچر وی واضح است. در ساختارهای عنعنوی جامعه افغانستان هر فرد متعلق بیک قوم، نماینده واقعی همان قوم شده نمی تواند. نمایندگی زمانی از یک جمعیت اعتبار دارد، که اعضای جمعیت مطابق قانون معینه، به نماینده رأی داده باشند و چنین "آراء از کنترل افراد مسئول در برابر قانون مواظبت شده باشد. کسی که خود را خود، در جمع کدام "قوم" و در جمع پیروان کدام "مذهب" یاد کند، نباید اور نماینده خواند.

مثالهای جنایات و عملکرد دور از فرهنگ جنگسالاران با اقوام کشور را می توان در تجاوز جنسی رشید دوستم با احمد ایشچی، و یا خطاب غلام بچه (رحیم غلام بچه) عطا نور به امرالله صالح معاون اول رئیس جمهور افغانستان



واضح دشمنی و خصومت با اقوام است. هر دو گروه حادثه فوق از جمله همقطاران یک تنظیم سیاسی و یک قوم هستند. نمایندگان واقعی و بزرگان اقوام کشور در افغانستان،

منتقدین محلی با رسوخ قابل اعتبار در بین اقوام خویش می باشند. بزرگان واقعی اقوام با روش مردم و با اقوام خویش بلدیت دارند، آنان هیچگاهی سلاح را به رخ اقوام خویش نمی کشند.

جنگسالاران در افغانستان هیچگاهی با نمایندگان واقعی اقوام تعلق ندارد. جنگسالاران و طالبان جنایکاران جنگی محصول جنگ بیگانگان در افغانستان هستند، که با منافع ملی کشور و منافع قوم وفادار نیستند. آشنایی و شناخت درست در مورد جوامع بشری و خصوصیات آن یک پروسه علمی است که افراد عملگرا و تحلیلگران در بطن همان جامعه بزرگ شده باشند و در عین حال با اصول و قواعد ارزیابی های علمی، بلدیت داشته باشند. لازم است که خصوصیات همان جامعه را کاملاً درست درک کرده باشند، تا بتوانند جامعه و کشور را در راه درست رهبری نمایند. تولد و یا معرفت با زبانهای ملی یک فرد در یک کشور مصداق معرفت و تخصص با آن کشور شده نمی توانند. علاوه فهم و دانش علمی به هر پیمانه که بلند باشد، حتمی نیست که در رهبری یک جامعه مساعد باشد. رهبری سیاسی یک جامعه علاوه بر توانائی، باید خود شخص دارای صحت کامل باشد و خود او هم، خواهان انجام وظیفه باشد، که مردم می خواهند و شخص هم چنان مورد اعتماد مردم باشد. اشتباهات بزرگ جامعه جهانی بخصوص ایالات متحده امریکا در افغانستان، در نظر نگرفتن خصوصیات جامعه و مردم افغانستان که مردمان افغانستان از اثر آن اشتباهات، قیمت گزاف را پرداخته اند. جامعه جهانی بخصوص ایالات متحده امریکا با پشت و پا زدن ارمانهای و اهداف منافع ملی هر دو کشور (افغانستان و ایالات متحده امریکا)، بر جنایتکاران جنگی چاردهه جنگ در افغانستان اتکا نموده اند.

جامعه جهانی بخصوص ایالات متحده امریکا از جنایتکاران جنگی و عناصر مفسد "جهادی" در افغانستان حمایت نظامی و مالی کرده اند. اشتباه عمده دیگر جامعه جهانی بخصوص ایالات متحده امریکا در مورد حمایت سیاست کادری بخصوص کادر رهبری در افغانستان است. جامعه جهانی و ایالات متحده امریکا متکی بر معیارهای محدود تولد و زبان در افغانستان بدون کفایت وظیفوی آنان، کادرهای نفوذی خویش را در دولت افغانستان، مقرر و حمایت نموده اند. اشتباهات جامعه جهانی و زمینه ناکامی اهداف سیاست خارجی ایشان را در افغانستان فراهم نموده است. با وجود تاکیدات مکرر، هم پیمانان ناتو ایالات متحده امریکا مبنی بر عدم تشدید خروج قوای نظامی ایالات متحده امریکا، باز هم قوای نظامی ایالات متحده امریکا بدون تأمین صلح و ثبات در افغانستان با توافقنامه طالبان از افغانستان خارج کردید است. باید به صراحت گفت که در آینده هیچ تضمین برای جلوگیری از حملات القاعده بر اهداف ایالات متحده امریکا و متحدین غربی آن وجود ندارد.

*- نادیده گرفتن تعرضات دشمنان بر حقوق مردم افغانستان:

جنگ افغانستان از جنگهای دیگر کشورها متفاوت است. افغانستان همسایه نه بلکه دو دشمن در به دیوار مانند پاکستان و ایران را دارد که همیشه مصروف تخریب افغانستان است. تعرضات و مداخلات بیشرمانه پاکستان و ایران



ناشی اشغال سر زمینهای محکوم افغانستان توسط پاکستان و استفاده رایگان از منابع طبیعی، آب افغانستان است. در لکچر هذا بر مسائل حقوقی افغانستان در غصب سرزمینهای کشور

توسط پاکستان و سوء استفاده از منابع کشور، ایران از منابع طبیعی که از علل اساسی تداوم جنگ و خونریزی دشمنان در افغانستان است، تماس صورت گرفته نشده است.

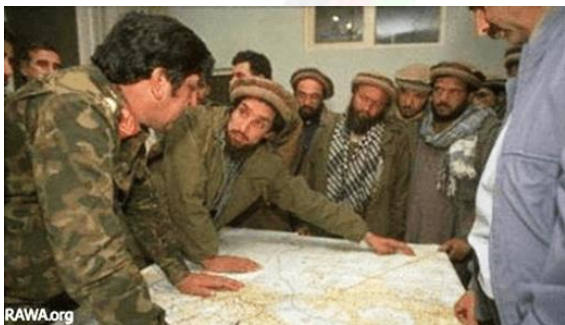
این دیوار سیم خاردار پاکستانی، مثل دیوار آهنی ایالات متحده امریکا با سرحد مکسیکو نیست، که برای ممانعت از ورود پناهنده گان غیر قانونی به امریکا اعمار شده باشد. این دیوار در قلب کشور در داخل افغانستان در شرایط زمامداری دولتهای "جهادی"، در حضورداشت قوای نظامی ایالات متحده امریکا و ناتو اعمار گردیده است. استخبارات نظامی پاکستان با بهانه جعلی جلوگیری از ورود اجیران دهشت افکن دیوار سیم خاردار خویش را در داخل خاک افغانستان اعمار کرد. این دیوار برای قطع روابط فرهنگی اتباع افغانستان محکوم، که در انطرف خط فرضی دیورند انگلیسی بسر می برند، اعمار گردیده است. عارف خان وزیر مبارز دلیر عضو نهضت عدالت خواهی مسالمت امیز قبائل پشتون از وزیرستان جنوبی برای اشتراک "جشن" در روز تاجگذاری ریاست جمهوری اشرف غنی بکابل آمده بود، عارف خان در بازگشت به خانه خویش جرم آمدن به افغانستان توسط شبکه های استخبارات آی. اس. آی. پاکستان بقتل رسیده است. اتباع قبائل پشتون افغانستان محکوم و مهاجرین افغان، که در در انطرف خط فرضی دیورند انگلیسی زندگی میکنند، حق ندارند که خود را افغان بگویند. قبائل پشتون افغانستان محکوم و مهاجرین افغان به جرم افغان بودن شان در زندانهای پاکستان انداخته می شود.

*- فرق مصالحه ملی و مصالحه امتیازی محدود افراد و گروه های سیاسی- جنگی:

آقای اشرف غنی برخلاف عرف تعلیمات درسی بحیث حکمران برحال در افغانستان، کشوری که در آن هر روز و هر ساعت، دشمنان میهن جوی های خون اتباع کشور جاری نگهداشته، وقت فارغ و کافی داشته است، تا در بازار

فضل فروشی حرف لکچر بدون ارتباط و بی مفهوم خود را با مادونان خویش ارائه کند. لکچر را با کلی گویی بدون ارتباط پیرامون مسله "صلح" در افغانستان با مثالهای حوادث کشور امریکای لاتین چون چیلی، برازیل، مکزیکو، گواتیمالا، السلوادور و هسپانیه اروپایی و غیره متمرکز است. ساختارهای اجتماعی، سیاسی، و خصوصیات فرهنگی کشورهای امریکا لاتین و هسپانیه اروپایی با ساختار اجتماعی، سیاسی، خصوصیات فرهنگی جامعه افغانستان باهم تفاوت کلی دارد، هیچ نوع وجوه مشترک، با ساختار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و خصوصیات فرهنگی جامعه افغانی ندارد.

آقای اشرف غنی در تفاوت های ماهیوی بین مصالحه ملی و مصالحه محدود امتیازی دچار سردرگمی شده است. کودتای فاشیستی جنرال فرانسیسکو "فرانکو" در طی سال ۱۹۳۶-۱۹۳۹ میلادی در هسپانیه هیچ شباهت با شرایط افغانستان ندارد. جنگ داخلی هسپانیه، که در عین جنگ هسپانیه یاد شده است، در هسپانیه بین جولای ۱۹۳۶م و اپریل ۱۹۳۹م حکومت انتخابی دیموکراتیک در دومین جمهوری هسپانوی (جمهوری خواهان) و کودتاچیان راستی تحت رهبری "جنرال فرانسیسکو فرانکو" (ناسیونالیست ها) جنگ واقع شده است. درین جنگ در نتیجه مداخله نظامی متحدان فاشیستی از ایتالیه و آلمان، اتحاد محافظه کاران نظامی و کاتولیک ها و غیره بشمول فلانجیست ها، "فرانکو"، قدرت را در هسپانیه در دست می گیرد و همان فرانکو تا دم مرگ، رژیم دیکتاتوری خود را در هسپانیه حفظ می کند. این صلح فقط برای "پیروزمندان" بوده است. مقایسه هسپانیه با افغانستان و طرز العمل حزب کمونست هسپانیه و اشاره اشرف غنی در مورد اعضای حزب وطن (ح. د. خ. ا.) نادرست است.



عده از اعضای حزب وطن (ح. د. خ. ا.) در سال ۱۹۹۲ میلادی علیه حکومت داکتر نجیب الله و حزب وطن اقدام نمودند. این خائنین بدون موجودیت "پلاتفورم" مصالحه ملی بطرفداری از دشمنان قبلی شان، با رژیم و دولت، تنظیمهای "جهادی" پیوستند. اقدامات برادران علومی و نبی عظیمی و پیوستن عده از اعضای حزب وطن با "اتحاد" شمال و یکجا شدن شهنواز تنی با گلبدین حکمتیار و طالبان در قطار جواسیس مخالفین و خائنین ملی کشور و حزب وطن محاسبه میگردد.

مصالحه ملی عبارت از یک "پلاتفورم" وسیع و مشترک تقسیم وظایف ملی و تعهدات اجرای آن وظایف ملی تحت نظر، هیأت منصفه نظارتی به پیش برده شده می تواند. مصالحه ملی با مصالحه امتیازی گروه های محدود سیاسی و جنگی که بر اساس تفاهمنامه های سیاسی بدون در نظر داشت تعیین وظایف ملی و هیأت منصفه، مبنی بر تقسیم امتیازات دولتی صورت میگیرد، مصالحه ملی نیست. مصالحه ملی زمانی ممکن شده می تواند، که تمام کشورهای خارجی، بصورت قطعی از هرگونه تلاش برای حفظ نفوذ آنها، بر حلقات تحت حمایت آنها، امتناع ورزند. نمونه های بارز مصالحه امتیازی محدود گروهی در افغانستان عبارت از امضای تفاهمنامه های سیاسی "دولت" کنونی افغانستان در هردو دوره ریاست جمهوری اشرف غنی با "اتحاد" شمال است که توسط عبدالله عبدالله امضا شده است، تفاهمنامه "دولت" کنونی افغانستان با حزب اسلامی که توسط اشرف غنی و گلبدین حکمتیار با امضا رسیده است. هرگاه مذاکرات "دولت" کنونی افغانستان با طالبان منجر به تقسیم امتیازات نهایی گردد، مصالحه محدود امتیازات دولتی می باشد. مصالحه امتیازی گروه های محدود سیاسی و جنگی که بر اساس تفاهمنامه های سیاسی بدون در نظر

داشت تعیین وظایف ملی و هیأت منصفه، مطرح میگردد، مصالحه ملی نبوده، توسط آن رسیدن با صلح سراسری و تأمین ثبات در افغانستان ناممکن است. مصالحه افراد و گروه های سیاسی که با یک دولت بدون موجودیت "پلتفرم" مشترک وظایف ملی صورت میگیرد، نظام دولتی را به بیراهه سوق میدهد که منجر به خیانت ملی میگردد.

* نقش کارشناسان غربی در کنفرانس بن المان سال ۲۰۰۱ میلادی:

آقای غنی در لکچر خود با بسیار افتخار با تصمیمهای کنفرانس بن المان تماس گرفته است، او از نقش خویش در تدوین مواد کنفرانس برای افغانستان اظهار میدارد. کنفرانس بن المان در قطار شرم آور ترین تصمیم غیر قانونی



جامعه جهانی بخصوص ایالات متحده امریکا، در قبال مردم افغانستان است. بی منطق ترین اقدام کنفرانس بن المان که از طرف جامعه جهانی و ایالات متحده امریکا صورت گرفته است در آن نهفته است، که

قوای ائتلاف در سال ۲۰۰۱ میلادی حکومت طالبان را در افغانستان سقوط دادند، در عوض دزدان و چپاولگران تنظیم های "جهادی" را مجدداً به قدرت رساندند. آقای محمد اشرف غنی رئیس جمهور کنونی افغانستان اولین وزیر مالیه دولت موقت افغانستان بود، جامعه جهانی و ایالات متحده امریکا، بیلینونها دالر کمک را بدسترس او گذاشته بودند. نتایج ناکام کنفرانس بن المان، خجالت آور است. ایالات متحده امریکا بحیث یک "سوپر پاور" بعد از نژده سال جنگ در افغانستان در (۲۹) بیست و نهم ماه فیروزی سال ۲۰۲۰ میلادی با عذر در امضای توافقنامه "صلح" با طالبان در قطر محتاج می شوند، که حکومت طالبان را سقوط داده بودند.

مسئله غیر قانونی بودن و ناکامی تصمیم کنفرانس بن المان در مورد افغانستان که یکی از معماران آن جناب اشرف غنی بوده، با اسناد انکارناپذیر به اثبات رسیده است. آقای غنی می گوید، که ما در کنفرانس بن از یک اقدام انتصاب نمایندگان غیرقانونی آغاز کردیم، و پروسه بن را به یک پروسه قانونی تبدیل کردیم. همه میدانند که سیاست علم است، جادوگری و شعبده بازی نیست، هیچ امکان وجود ندارد که خشت یک اساس کج گذاشته شود، دیوار استوار بماند. هیچ وقت یک پروسه غیر قانونی به یک پروسه قانونی تبدیل شده نمی تواند. مردم افغانستان مدتها قبل و بعد از سقوط طالبان خواهان رهبری زعامت شاه مجرب افغانستان، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه فقید بودند که دشمنان افغانستان در رهبری و ذعامت شاه فقید توطیه و خیانت کردند. استقبال بی سابقه مردم افغانستان با دهل و و اجرای آتن های ملی در هنگام بازگشت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه فقید افغانستان بعد از سه دهه هجرت از ایتالیا به کشور در موقع تدویر لویه جرگه سال ۲۰۰۲ میلادی، دشمنان سوگند خورده داخلی و خارجی، مردم شریف و مظلوم افغانستان را دست و پاچه ساخته بودند. با ورود اعلیحضرت محمد ظاهر شاه به کابل تمام مراکز شیطانی دشمنان مردم افغانستان بخصوص چند تن دشمنان داخلی، دزدان و چپاولگران تنظیم های "جهادی"، افغانستان را به لرزه درآورده بود. مردم با وقار و دیانت پرور افغانستان و اکثریت مطلق اشتراک کنندگان لویه جرگه سال ۲۰۰۲ میلادی رهبری زعامت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه فقید خویش را مطالبه داشتند.

در لویه جرگه سال ۲۰۰۲ میلادی زمینه عرض وجود یک دولت قانونی که پشتیبانی اکثریت مردم افغانستان را با خود داشت، مسیر بود. مردم افغانستان هیچ وقت توهین دشمنان افغانستان را به شاه فقید خویش توسط اجیران اجنبی فراموش نکرده و نمی کنند. در نظر گرفتن نقش سیمبولیک "بایای ملت" و نبود صلاحیت اجرائی برای اعلیحضرت

محمد ظاهر شاه، در زمان مساعد جلوگیری از بحران جنگ در افغانستان، خیانت دشمنان داخلی و خارجی میهن است، که از آمدن صلح و ثبات در یک کشور جنگ زده آگاهانه و بیشرمانه جلوگیری کردند.

***- تاکیدات نادرست بر حاکمیت قانون و " صلح" در افغانستان :**

مردم افغانستان و جهان با کارنامه های این دو چهره مطرح و مشهور آقایان اشرف غنی و عبدالله عبدالله درست آشنائی دارند، این دو همزمان در یک روز، در دوطرف یک دیوار، دو رئیس جمهور بودند که برای کسب یک پست ریاست جمهوری افغانستان، سوگند وفاداری یاد کردند. اساساً جامعه جهانی و ایالات متحده امریکا نمی توانستند همزمان با هر دو رئیس جمهور در یک کشور کارکنند. جامعه جهانی و ایالات متحده امریکا نمی توانستند در یک وقت معین برای دو رئیس جمهور افغانستان خرچ دستراخوان بپردازند. ایالات متحده امریکا ناگزیر شد، تا با وساطت حامد کرزی و رسول سیاف مبنی بر تقسیم نصف چوکی کابینه را به هریک از ایشان، تفاهمنامه سیاسی را برای تشکیل حکومت مشترک بوجود آوردند. با امضای تفاهمنامه سیاسی بعد از انتخابات رئیس جمهوری قانونی در افغانستان وجود ندارد. با اثر بغاوت "اتحاد" شمال در مورد انتخابات حکومت مشترک مبنی بر تقسیم نصف چوکی کابینه اساس یک تفاهمنامه سیاسی است. آقای اشرف غنی مدعی است که امور دولت را به سلف قانونی آینده کشور می سپارد. براساس اسناد و مدارک که در فوق ذکر شده است، آقای اشرف غنی خودش رئیس جمهور قانونی افغانستان نیست.



دولت فاسد کنونی افغانستان، یک دولت غیر قانونی است که در هر دو دوره ریاست جمهوری آقای اشرف غنی براساس تفاهمنامه های سیاسی و تقسیم امتیازات دولتی در افغانستان بوجود آمده است. دولت بدون در نظرداشت تسلط کامل جغرافیة کشور بصورت غیرقانونی به زور قوای

خارجی و شیوع فساد بیظیر در کشور وجود دارد، پافشاری و "ریکلام" کردن موجودیت دولت قانونی در افغانستان حرف شوخی است.

دولت خدا داد افغانستان بیش از دوصدوپنجاه سال قبل توسط احمد شاه درانی اساس گذاشته شده است. آقای اشرف غنی به اشاره با بغاوت "اتحاد" شمال طوری وانمود می سازد که گویا وی با امضای تفاهمنامه سیاسی با عبدالله عبدالله افغانستان را از خطر تجزیه نجات داده است. نه خیر هرگاه دشمنان افغانستان و اجیران شان توان تجزیه افغانستان را میداشتند، مدتها قبل دشمنان مردم افغانستان و اجیران شان کشور را پارچه پارچه میکردند. تاریخ کهن و پرافتخار این سرزمین باستانی افغانها مانند کشور یوگوسلاویا نیست، که اهریمنان و مزدوران اجنبی بتوانند افغانستان را تجزیه نمایند. هزاران سال است که نیاکان تمام اقوام شریف این مرزوبوم برادروار باهم یکجا ابرومندانة زندگی نموده بودند. پیوند های اتباع و تمام اقوام شریف این سرزمین پرغرور، چنان باهم محکم بافت خورده است، که دشمنان مردم افغانستان توان آنرا ندارند که به آسانی بتوانند افغانستان را تجزیه کنند. فرزندان صالح افغانستان نباید شعارهای تجزیه چند تن ولگرد اجیر باند "اتحاد" شمال و یا تشکیل کانفدراسیون با پاکستان، که گلبدین حکمتیار آنرا تبلیغ می

کنند، نا شنیده بشمارند. نام پر افتخار افغانستان در قلوب تمام هموطنان عزیز افغانستان به جز، عده محدود از رهبران تنظیمهای "جهادی" ساخت پاکستان و ایران که اجیران بیگانه هستند، حک گردیده است. به تاریخ پر افتخار افغانستان



Schmiede standen lange Zeit in hohem Ansehen
("آهنگران زمانه های طولانی در منزلت و اعتبار بلند قرار داشته اند.")

مراجعه شود، جای شک نیست که در طول تاریخ افغانستان جنگهای غارتگرانه دشمنان باعث شده است که اتباع شریف کشور را وادار به ترک میهن شان سازد. انگلیسها با هزاران حيله و مکر (۱۲۷) یکصدویست هفت سال قبل با کشیدن خط فرضی دیورند قسمتی از سرزمین افغانستان را جدا کردند، نسلها گذشته است مگر برادران قبایل پشتون، افغانستان محکوم که در انطرف خط فرضی دیورند

بسر میبرند، با وجود تسلط رژیم فاشیستی نظامیان پاکستانی، قتل و قتل بیگانهان توسط استخبارات پاکستان در عقب میله های زندان هم خود آنها را، افغان میدانند.

آقای اشرف غنی شما از کدام میثاق شهروندی سخن میگوید؟

دولت فاسد کنونی تفاهمنامه های سیاسی بجز غارت هیچ نوع خدمات را برای شهروندان افغانستان انجام نداده است. وطن دوستی افغانها را در عمل دقیق مشاهده کنید. اتباع اقلیت مذهبی هندو و سیکه افغانستان که تمام اموال و دارائیهای شان توسط ولگردهای اجیر باند "اتحاد" شمال و شورای نظار جمعیت "اسلامی" چور و چپاول شده است، حتی نوامیس و فرزندان دلبد شان را هم شورای نظار جمعیت "اسلامی" اختطاف نموده بودند، در نتیجه جنگهای نیابتی دشمن با همکاری رهبران تنظیمهای "جهادی" افغان مجبور به فرار از افغانستان شده اند، به حیث افغان در حالیکه اشک در چشمان شان جاری است، به یاد میهن آبایی خویش در جاده های لندن، پاریس، برلین، و واشنگتن به نام افغانستان و افغان بودن خویش افتخار می کنند. اینست عزم افغانان اصیل که باید زمامداران دولتی آنها ببینند. واحدهای تقسیمات ملکی رسمی افغانستان براساس ولایات، شهرها (شاروالی)، ولسوالی میباشد. قریه در ساختار ولسوالی شامل است. تا هنور برای قرا حقوق و ظایف جداگانه در قانون ارگانهای محلی وضع نگردیده است.

*- مالکیت خصوصی و مالکیت دولتی:

جناب رئیس جمهور!

موضوع نامگذاری بر اشکال مالکیت وسایل تولیدی آنقدر مهم نیست، که در تاریخ بشریت مالکیت وسایل تولیدی به کدام نامها یاد شده باشد، قرنها میگذرد که بشریت با هر دو شکل مالکیت خصوصی و اشتراکی بر وسایل تولیدی سروکار دارد. این را بخاطر بسپارید که مالکیت بر وسایل تولیدی بشریت نخست از ملکیت اشتراکی آغاز گردیده است، بعداً با براساس تقسیم کار مالکیت خصوصی بر وسایل متباز گردیده است.

با پیروزی انقلاب اکتوبر در سال ۱۹۱۷ میلادی مالکیت دولتی در اتحاد شوروی بوجود آمده است. در قرن پانزدهم پیر بایزید روشن در مناطق قبائل پشتون اصول "کار ویش" و همچنان زنان را حقدار ملکیت بر زمین دانست که با استقبال گرم مردم مواجه شد. ملاکان و امپراطوری مغل نیم قاره هندوستان توسط روحانی متعصب و افراطی اخوند درویزه علیه پیر، بایزید روشن با تحریکات پرداختند، گفتند که پیر بایزید روشن "کافر" است.

*- رشد و حقوق زن :

جناب رئیس جمهور در عقاید بشریت چه طرز تفکر چپگرا و یا طرز تفکر راستگرا باشد، پدیده ها ترکیب از جهات مثبت و منفی را با خود حمل می کند. انسانها را نباید با تعصب از مزایای مثبت پدیده های مختلف محروم ساخت، افراط و تعصب کور کورانه یک مریضی است. جناب رئیس جمهور آنچیزی را که شما راجع به رشد زنان در افغانستان با فرمانهای میخانیکی خویش اقدام میکنید، هیچگاهی زمینه رشد و استقلال سالم زنان را در افغانستان بوجود نمی آورد. رشد زنان یک پروسه میخانیکی نیست، که توسط فرامین تقرر میخانیکی حقوق سالم زنان را بوجود بیا آورد. برخورد میخانیکی به حقوق اتباع بیعدالتی جنسی را در سهمگیری پیشبرد امور دولتی را بوجود می آورد. هیچکس نمی تواند حقوق زنان را با فرمانهای میخانیکی بالای طالبان به قبولاند که مذاکرات "دولت" افغانستان با آنها در دوحه جریان دارد. اقدامات میخانیکی در طولی المدت در مورد رشد زنان، تحریکات منفی جنسی را در جامعه افغانی تبارز میدهند، و در آینده سد بزرگ را در راه رشد و انکشاف سالم زنان بوجود می آورد. برای زنان و مردان باید زمینه های وسیع تعلیمات عامه و تحصیلات اختصاصی را فراهم ساخت. تا هر زن و مرد این سرزمین در مناسبات اقتصادی، اجتماعی، بتوانند استعداد و مهارت فردی خود آنان را بدون تبعیض، در بازار کار عرضه کنند.

پایان.



[برای مطالب دیگر محمد اختر یوسفی، بر روی عکس کلیک کنید](#)